

مجموعه مقررات اخلاقی راجع بشغل و کالت

ماده دهم

در حفظ اسرار مربوط بشغل و کالت

حفظ اسرار مربوط بشغل و کالت یکی از تکالیف و حقوق و کلاء دادگستری است .

اطلاق لفظ تکلیف در حفظ اسرار از لحاظ حفظ حقوق موکل است که باید رعایت این وصف از سایر اوصاف مختصه باین شغل تجاوز نماید ولی در رعایت و توجه باین اصل از نظر قضات و مقام قضا کلمه حق بآن اطلاق خواهد شد زیرا و کیل میتواند اسراری را که مجبور بافشاء آن باشد قبول ننماید .

هر گاه و کیلی بعنوان اداء شهادت در دادگاهی دعوت شود می تواند با کمال استقلال و آزادی تام از پاسخ هر سئوالی که منتهی بافشاء اسرار شغلی او شود امتناع نماید .

ماده یازدهم

توسعه تکالیف و کلاء در حفظ اسرار مربوط بشغل و کالت

وظیفه حفظ اسرار شغل و کالت نیز متضمن اسراری است که از طرف اشخاص ثالث بمناسبت شغل و کالت بشخص و کیل داده شده است و نیز و کیل باید در حفظ اسراری که در نتیجه مذاکرات جهت بستن قرارداد با و کیل ایجاد شده ولی صورت عمل بخود نگرفته است و همچنین اسراری که از طرف و کلاء به شخص او داده شده است کوشا بوده در مقام حفظ آن بر آید .

و کیل نباید هیچگونه دعوائی را که در بعضی از قسمتها با اسراری که در انجام شغل و کالت از او - و کل بدست آورده ارتباط دارد بدون جلب رضایت و موافقت او قبول نماید .

ماده دوازدهم

در ختم و وظیفه مربوط ب حفظ اسرار و کالت

اگر موکلی و کیل خود را متهم بارتکاب جرائم نماید و کیل مزبور حق دارد حقایق را بدرجه و میزان تهمتیه که باو استناد داده شده بیان و اظهار نماید و حتی در چنین مواردی و کیل میتواند اسراری که از طرف موکل باو داده شده است افشاء نماید.

اگر موکل و کیل را از قصد خود بارتکاب جرمی مطلع نماید و کیل الزامی ب حفظ چنین سری نداشته و باید فوراً آنرا افشاء نماید زیرا هم کمک و معاونت بارتکاب جرم مزبور نکرده و هم اشخاصی را که در معرض مخاطره بوده اند حفظ کرده و از ضرر روزیان حاصله از جرم نجات داده است.

ماده سیزدهم

در پیشرفت شغل و کالت و آگهیها

برای پیدا کردن کار و جلب موکل و کیل باید باینک طرز شرافتمندانه که شایسته مقام و کالت است خود را معرفی نماید بهترین معرف و کیل تقوی امانت درستی فضل و کمال و لیاقت و استعداد ذاتی او است و کیل باید از هر گونه تقاضاهای مستقیم و غیر مستقیم برای بدست آوردن موکل اجتناب نماید.

انتشار و توزیع کارت هایی که حاوی اسم عنوان تخصص و کیل در امور و کالتی است مجاز بوده ولی تقاضاهای کار بوسیله آگهیها یا بخشنامه ها و همچنین نشرات دیگر اعم از مستقیم یا غیر مستقیم که ب نفع و کیل یا تعریف و تمجید او باشد منافی حیثیت و شئون این شغل میباشد.

ماده چهاردهم

درج و طبعم محاکماتی که منتهی به نتیجه قطعی نشده است

با استثناء موارد لازمه که تطبیق با عدالت و اخلاق نماید و کیل نباید ب هیچ طریقی مندرجات پرونده خود را که منتهی ب صدور حکم نشده است طبع و نشر نموده و یا در مطبوعات دیگر در اطراف جریان پرونده خود بحث و اظهار نظر نماید.

ولی در موقعی که دعوی جریان خود را طی نمود و خاتمه پذیرفت و کیل میتواند پرونده و جریان دعوی و تفصیل و شرح آنرا بارعایت اصل

احترام و ادب و بی طرفی طبع و نشر نموده و به معرض انظار عامه و افکار عمومی بگنارد. ماده فوق درباره تفسیرها و شرح‌های قانونی که از نظر علمی در مجلات مهم و کلا درج میشود و تطبیق با عادات محلی و اصول اخلاقی مینماید جاری نخواهد شد.

هر گاه اینگونه نشرات و مطبوعات به حیثیت و شئون اشخاص لطمه برساند باید اسامی اصحاب دعوی برای احتراز و اجتناب از اینگونه وقایع و تضمرات کاملاً حذف شود.

ماده پانزدهم

توسل بمطبوعات برای کارهای و کالنی و کیل نباید عقاید و افکار و پاسخ مشاوره و ارجاعات و همچنین مسائل قانونی را بوسیله جراید یا رادیو و یا اقسام و سایسل نشر اخبار دیگر خواه با اجرت و خواه بی اجرت اشاعه دهد.

ماده شانزدهم

در برهم زدن و منقلب نمودن جریان دادرسی

بنحو مستقیم یا غیر مستقیم

مداخله در امری و یا اظهار نظر در موضوعی بدون مراجعه کسی از طرف شخص و کیل جهت پیشرفت دعوی و با تهیه موکل متافی با حیثیت شغل و کالت بوده مگر اینکه خویشاوندی و دوستی و کیل را و ادار قبول این امر نموده باشد.

و کیلی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم افراد را با پرداخت حقوق و پاداش بگمارد که برای پیشرفت کار توصیه و سفارش نمایند عملش برخلاف اصول و شئون و کالت بوده و و کلائی که از اینگونه اعمال اطلاع حاصل نمایند باید فوراً مراتب را بکانون و کلاه اطلاع دهند تا و کیسل متخلف مورد تعقیب انتظامی قرار گیرد.

قسمت دوم

روابط و کیل با دادگاهها و مقامات دیگر

ماده هفدهم

در حفظ دستکاه قضائی

و کیل باید در هر موقع برای حفظ دستکاه قضائی مجهز باشد

و از هر گونه مساعدتی نسبت به توسعه و پیشرفت این دستگاه مضایقه و دریغ ننماید.

چون حمایت و حفظ سازمانهای قضائی در سایه انجام این عمل و شغل گرانها و ذیقیمت اجتماعی از طرف و کیل لباس عمل بخود میپوشد لذا موقعیت و مقام و کیل باید بصورت استقلال محترمانه درآمده و با کمال قدرت و آزادی عمل در هر عصر و زمانی بتواند بوظایف وجدانی و قانونی این شغل قیام و اقدام نماید.

ماده هیجدهم

انتخاب قضات

و کیل موظف است که بطریق و وسائل قانونی از انتصاب دادرسان و سایر کارمندان قضائی که از لحاظ سیاست شاغل این مشاغل میشوند جلوگیری کرده و مراقبت نمایند که احراز مقام قضائی فقط از نظر قابلیت و صلاحیت علمی و اخلاقی صورت بگیرد و جدیت و کوشش نمایند که قضات و کارمندان مزبور نیرو و فعالیت خود را جز در مقام قضا بامور دیگر صرف ننموده زیرا اگر غیر از وظایف محوله بامور دیگر مبادرت ورزند از جاده بی طرفی منحرف شده و خطر بزرگی متوجه دستگاه قضائی و کشور خواهد شد.

و کلاء باید برده از روی اعمال قضائی که امورها برونق قوانین انجام نمیدهند برداشته و آنان را بمقامات مربوطه و صلاحیتدار معرفی نمایند.

ماده نوزدهم

در مورد اتهام به قضات

در موردی که دلایل متقنی جهت شکایت از قضائی موجود باشد و کیل باید دلایل اتهام را بمقامات صلاحیتدار و یا کانون و کلا بفرستد و لی این نکته را باید در نظر گرفت در موقعی باید این دلایل جمع آوری و یا و کیل با کمال شجاعت مبادرت باین امر نماید که از طرف همکاران خود کاملاً حمایت شود.

ماده بیستم

در توسعه مدلول دو ماده قبل

مقررات دو ماده قبل در مورد مأمورین دیگری که و کیل در انجام

شغل خود با آنان سروکار دارد نیز متبع و مجری است

ماده بیست و یکم

در تجدید کارهای سابق

و کیل پس از کناره گیری از کار قضائی و یا کارهای عمومی نباید دعاوی مربوط بآن اموری که در دوره خدمت خود عهده دار بوده قبول نماید این قاعده در مورد مراجعات و مجاکماتی که و کیل نسبت بآن نظر مخالف اظهار نموده است نیز مجری است مگر اینکه موجبات آن اظهار نظر کاملا مرتفع شده باشد.

و نیز و کیل نباید تا مدت معینی در حوزهای که سابقا قضاوت نموده و کالت کرده و یا کارهای و کالتی اداره و بنگاهی را که سابقا مستخدم بوده است قبول نماید.

ماده بیست و دوم

اعمال نفوذ شخصی در دادگاهها

وظیفه و کیل است که از هر گونه اعمال نفوذ شخصی نسبت به قضات خواه از طریق سیاسی و خواه از طریق رفاقت و یا توسل بوسایل دیگر ولو اینکه بدلائل منطقی قاضی را متقاعد نماید احترام کند و نیز برخلاف اصول و مقررات است که و کیل مجرمانه و در غیاب و کیل طرف دعوی موکل خود قاضی را بموقوف نمودن جریان دعوی و ادار کرده و یا استدلالات و اظهارات دیگری غیر از آنچه در جریان دادرسی کرده است بنماید.

ماده بیست و سوم

مساعدت باشخاص غیر مجاز برای انجام امور و کالتی

هیچیک از و کلاء مجاز نیستند که کارهای و کالتی و یا استفاده نام خود را بهر طریقی که تصور نمود باشخاصی که شاغل عملیات قانونی بوده ولی قانونا مجاز برای انجام امور و کالتی نیستند تفویض و واگذار نمایند و کیل نباید در پرونده هائی که هیچگونه شرکت در تنظیم آت نداشته امضاء خود را بکار برد، زیرا این عمل برخلاف سنن و شعائر شغل و کالت میباشد.

و کیل باید برای امضاء خود اهمیت خاصی قائل شده و امضاء خود را برای اشخاصی که مجاز باشند تفویض و تصدی امور و کالتی نیستند بکار نبرد.

ماده بیست و چهارم

نظم و درستی

وکیل باید نسبت به محاکم - همکاران - موکلین و طرف دعوی خود درست و منظم بوده باشد.

از آقای حسین نوری زاده

صلح

چهارم - موانع و مبطلات و موجبات الغای صلح -

۱ - عدم رشد و اهلیت طرفین یا یکطرف از متصالحین موجب بطلان صلح است .

۲ - صلح با اکراه یا بتدلیس موجب عدم نفوذ صلح است (قانون مدنی ایران ۷۶۳)

در ماده اشاره شده نسبت با اکراه بطلان را معتقد است ولی نسبت بتدلیس معتقد بوجود خیار فسخ است .

۳ - صلح در امر غیر مشروع یا تحریم حلال و بالعکس باطل است (قبلا گذشت)

۴ - در مواردیکه صلح را عقد مستقل ندانیم و تبعی بوده باشد البته در بیع نسبت با موردیکه نمیشود به بیع انجام داد بصلح نیز نمیشود مثل بیع صرف یا بیع کالی بکالی و غیره

۵ - اگر مورد صلح یا عوض یا هر دو مستحق للغیر برآید صلح باطل است (بعقیده علامه در کتاب قواعد الاحکام) و بعقیده شهید ثانی در متن